

بی‌پایه دیده‌ها و شنیده‌ها و خاطرات راوی. بی‌هیچ دخل و تصرفی از سوی نویسنده در اضافه کردن و توضیفات و تشریحات. از همین رومی توانیم اثر ارادر مرمزه آثار تاریخ شفاهی دسته‌بندی کنیم. نویسنده در تنظیم روایت‌ها و خاطرات سعی کرده تا توانایی تاریخی وقوع حوادث را رعایت کند و در این امر به موفقیت نسبی دست یافته است.

می‌کند. زهره فرهادی که بعد از سقوط خرمشهر به امدادگری در بیمارستان‌های آبادان و ماهشهر مشغول می‌شود، در این کتاب به روایت دیده‌ها و شنیده‌های خود از سال‌های جنگ پرداخته است. قارنزه ساسانی خواه، آن‌گونه که خود در مقدمه کتاب توضیح داده است، سعی کرده تا بداند پدر کم‌وکاست چگونه روی رایت و ضبط کتاب او در این مسیر حتی در کم‌حوال و روحيات‌زای و سایر شخصیت‌ها دست به اغراق نهاده است. به بیانی دیگر، کتاب مستنداتی است

زهره فرهادی، یکی از روایان آن روزهای پرتالهاب جنگ است. او در کتاب «چراغ‌های روشن شهر»، جنگ و سقوط خرمشهر و محاصره آبادان را برای مخاطب امروز روایت کرده و فائزه ساسانی خواه تنظیم، تدوین و بازنویسی آنها را برعهده داشته است.

چراغ‌های روشن
خرمشهر

روایتی برگرفته از زندگی و رزم شهید حسن دشتی رحمت‌آبادی از دیار باستانی یزد

عاشقی بہ وقت شلمچہ

دومین دله آب نرسید که صدای گریه نوزاد پیچید زیر گوش جواد. جواد از حوض بیرون جست، لب ایوان ایستاد. اذان آخر شب بیست و دوم اسفند را گویا اقامه کرد.

پسر محله رحمت آباد

حسن، پسر محله رحمت آباد بزرگ شد. قد کشید دیدیم.
تجربى گرفت تا این که غریبوا انقلاب را شنید. راهی مسجد محله
شد. با یاجه ها گروه معنفی را انداختند. مبارزات شبانه با رژیم
آغاز شد. حسن غروب به غروب لب حوض وضو می گرفت.
لقمه گری از مادرش می ستاند، علی است و مدد، راهی رزم
شبانه می شد. کوچه پس کوچه های یزد شاهد قدم ها و
حراست های شبانه حسن بودند. روزی که همراه یاجه های
تازه تاسیس سپاه راهی حراست از بیت امام خمینی (ره) شد.
دیگر شب و روز نمی شناخت. مامور زنده ای شده بود برای
خودش.

تب انقلاب هنوز وانگذاشته بود که شورو
شیون جنگ شروع شد. روز ۱۴ آبان سال ۵۹
که امام خمینی (ره) فرمان شکست حصر آبادان

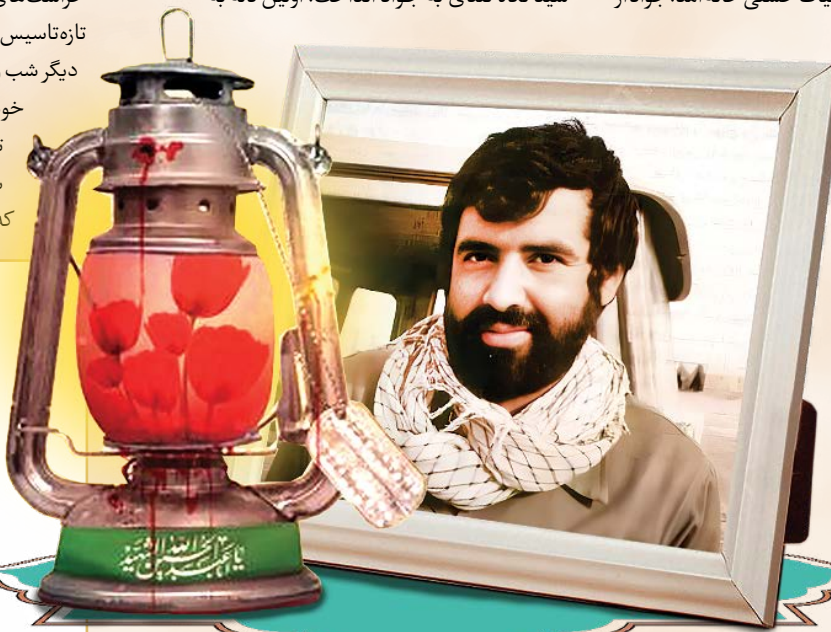
را صادر کرد، حسن دیگر پایش بند شهر، کوچه، بیت و خیابان نمود. پوتین رزم پوشید و راهی مرزهای همیشگی ایران شد.

حصر آبادان شکسته شد

پنجم مهر سال ۶۰ رزم (تَضَرُّمُ اللَّيْلِ وَفَتْحُ قُرَيْبٍ) تو بی سیم
یابگاه پیچید. حسن بند پوتیش را محکوم کرد. قدم به قدم
همراه گردان آباد پیاده جلو رفت. گلوله خیمه‌ها ۶۰ تا کنار جاده
اهواز - آبادان را باز کرده بود. حسن تو چاله روهه روهی
توفورفت. قمعقه اب را داروژد کمی از خود. خیمه‌ها را
پیشانی و دهانش بست. روز به آبادان ایستاد. ضعیف اسلحه
کلش را جازد. زمین شکافته شد. طوفانی از خاک و مل به
هوا رفت. تراشه گلوله استنش را جر داد. حسن چند بار
سج دستش را باز و بسته کرد خیلش از دستش راحت شد.
دست سر جایش بود. ۴۲ ساعت بی وقفه جنگیدن و دویدن
کردن با حسن و همزمان ایرانی اش را و وقتی به آخر جاده اهواز
متمنی به آبادان رسیدند؟ حسن روی اسفالت سوراخ خورده
جاده را زد کشید. و به آسمان خمشش را بست. چند دقیقه

نیستیم که باد ما بلرزانند.» حسن گردان توجیه شده‌اش، کنار کانال ماهی، نزدیک شلمچه به تو سئوگرهای خفرشده و ناظم داد، تاریکی و سرمای هواییداد می‌کرد. آتش لشکر عراق متر به متر محور شلمچه راه خیش بسته بود. کتک‌های گلوله به همه جانفوذ می‌کرد. چپیه راه به دور دهانش بست. عادت داشت نصف صورتش پیدا نباشد. توی تاریکی عملیات کربلای ۵ نیم‌خیز از این کانال به آن کانال می‌رفت و از این سنگر به آن سنگر می‌جهید. مرتب شاسی بی سیم دستش بود، در حال گزارش دادن. چند متر مانده به سنگر فرماندهی، گلوله خمپاره ۶۰ جایی پای حسن، پشت سرش نشست. حسن دراز رو به آسمان شلمچه دراز کشید، خون از لای چپیه شگند زرد بود. بوییرن، خستگی چندسال رزمش با شهادت درآمد، دیگر حسن ندید که آن شب بداندند ایران در تیرتکی پتروشیمی عراق ناپناهده شد و صرجه به محاصره درآمد.

هنوز خستگی عملیات کربلای ۴ روی تن تپ ۱۸ لشکر الغدیر بود. حالاکه حسن فرمانده شده بود. بیشتر می‌دید و بیشتر نگران بود. تدارکات کربلای ۵ داشت چیده می‌شد. شب اول بهمن سال ۶۵ حسن داخل سنگر فرماندهی شلمچه نشسته بود. شاسی بی‌سیم را برداشت: «حسن، حسن، قاسم یاد غوغا می‌کند.» بی‌سیم خش‌متمدی کشید: «قاسم، قاسم، حسن ما پیدی




زهرا شکراالاهی
 گروه پایداری

زهرا شکرآلایی
گروه دبیرداری

نصرت خانم آب حوض را بیرون ریخت. صاف وسط حوض ایستاد. آب از سر و رویش می چکید. خنکی روز بیست و دوم اسفند سال ۲۷ خنوز رو به سرمای یزد بود. کمربش به درد آمده بود. آب حوض بیرون آمد. پیراهن گلدار، خیس خیس بود. سلاسه سلاسه تا طاقچه کنار حیاط رفت. نفس تو سینه اش گره خورد. باید تا قبل از به دنیا آمدن بچه، عید نوروز و چهارشنبه سوری خانه تکانی اش تمام شود. این رسم مردمان اقلیم یزد بود. نور تیز آفتاب صبح به شیشه های رنگی، دستمال کشیده در اتاق پرخورد کرد. رنگین کمان سبز، زرد، قرمز و... روی ستون های سفید پاشیده شد. نصرت سکه یک ریالی را داخل کوزه انداخت. کوزه را برداشت و به رسم هزارساله مردم محله حرکت آب یزد، آن را به بالای بام خانه برد. به پاهایش توان ایستادن نداشت. به کوجه تنگ و کاهنگی نگاه کرد. کوزه را به نشانه تمام شدن خانه تکانی، تویید وسط کوجه. تن سنگینش را از پله ها پایین گذاشت. کوزه یادگارد ایستاد. پر و سوری نقش ترمه دارش را به پیشانی کشید. صدای بسته شدن در چوبی حیاط خشتی خانه آمد. جواد از کوره های آجرپزی برگشته بود.

پاکتی نقل و
حاجی بادومی تو
دستش بود. رنگ و روی
نصرت را که دید، پاکت ها را
انداخت تو طاقچه. شروع
کرد به دوییدن.

جواد چند قدم به طرف در
حیاط می‌رفت؛ برمی‌گشت
دور خودش می‌چرخید. اذان
ظاهر به اذان مغرب رسید.
آستین بلوز سفیدش را بالا داد
و نشست کنار آب تمیز، صاف
و زلال حوض، وضو گرفت.
صدای جیغ نصرت
هر لحظه بیشتر
می‌شد. جواد نمازش را



نوبت اول

شرکت پالایش نفت بندرعباس
(سهامی عام)

آگهی مناقصه عمومی

با اخذ سپرده

درخواست شماره: RHS-0345950-T30

موضوع آگهی: ساخت قطعات یدکی کنترل ولو

TEROFOX



برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت این شرکت مراجعه نمایید.

WWW.BAORCO.IR

روابط عمومی و امور بین الملل



گهر مناقصه عمومی

سازمان اتوبوسرانی اهواز



شهرداری اهواز

در نظر دارد موضوع مشروحه ذیل را از طریق مناقصه عمومی به شرکت های واجد شرایط واگذار نماید.

ردیف	شرح مناقصه	مبلغ اولیه (ریال)	سپرده شرکت در مناقصه (ریال)
۱	مناقصه احداث طبقه فوقانی ساختمان معاونت اجرایی واقع در توقفگاه قدس سازمان اتوبوسرانی اهواز	۶۲/۱۷۷/۷۱۵/۹۸۶	۳/۱۰۸/۸۸۵/۸۰۰

از شرکت های واجد شرایط دعوت به عمل می آید، جهت دریافت اسناد مناقصه از روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۴ لغایت روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۳ ساعت ۱۹ به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

- ۱- اسناد از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) تسلیم می گردد.
- ۲- در شرایط مساوی اولویت با پیمانکاران بومی می باشد.
- ۳- مهلت قبول پیشنهادات و پاسخ به مناقصه: از آخرین روز مهلت دریافت اسناد به مدت ۱۰ روز در سامانه ستاد است و حداکثر مهلت بازگذاری اسناد به همراه پیشنهاد قیمت در سامانه ستاد روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۷ ساعت ۱۲:۰۰ می باشد. ضمناً آخرین مهلت تحویل پاکات فیزیکی تا ساعت ۱۲:۳۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۷ می باشد.
- ۴- (محل تحویل اسناد: امور قراردادهای سازمان اتوبوسرانی اهواز می باشد).
- ۵- لازم به ذکر است کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد قیمت می بایست از درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir صورت پذیرفته و مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی (توکن) را جهت شرکت در مناقصه حقیقی سازند.
- ۵- پیشنهاد قیمت ها در صورتی قابل بررسی می باشد که اسناد فیزیکی قبلاً در سامانه ستاد بازگذاری و مورد تأیید باشند.
- ۶- جلسه سایت ویزیت با حضور نمایندگان شرکت های متقاضی ساعت ۱۰ صبح الی ۱۱ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۳ در سازمان اتوبوسرانی اهواز برگزار می گردد.

اداره کل ارتباطات و امور بین الملل شهرداری اهواز

شماره ۰۵۴۶۱۳۹

آلایین بخوانید، آلایین دیده شوید

آلایین جام جم

جدیدترین اخبار ایران و جهان در جام جم آنلاین
ورزشی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حوادث

Instagram: [instagram.com/jamejam.news](https://www.instagram.com/jamejam.news)
Facebook: <https://www.facebook.com/jamejamdaily>

Website: <https://rubika.ir/jamejamDaily>
Twitter: <http://twitter.com/jamejamCPI>



jamejamdaily.ir jamejamonline.ir

[illegible]

برای حل جدول اعداد باید در هر مربع کوچک تر ۳ در ۳ هیچ عدد تکراری وجود نداشته باشد.

همچنین هیچ عددی در یک سطر یا ستون مربع بزرگ ۹ در ۹ تکرار نشده باشد.

همچنین هیچ عددی در یک سطر یا ستون مربع بزرگ ۹ در ۹ تکرار نشده باشد.

	۷	۸				۶	۵	
۱					۸			۳
۵					۶			۸
	۹	۱	۲		۷			
				۳				
			۱		۵	۴	۲	
۲			۸					۵
۷			۹					۴
	۵	۴				۲	۹	

	۱	۸				۲	۶	
۷						۲		۸
۳						۶		۱
	۷	۱	۶			۴		
				۱				
				۷		۹	۱	۸
۲			۹					۵
۱			۵					۴
	۴	۵					۷	۱

	1	9				5	7			8			9	3				8	5	
7					5				3				8				5			8
3					7				1				5				7			1
	8	8	2		9								1	7	2		6			
					3											5				
				5		8	2	9							1		8	8	7	
8				3					9				3			8				5
8				6					2				1		6					3
	6	2					8	3						6	8			9	1	